

## آدمیزاد و پل‌های چوبی

به نقل از سایت: [www.5tooz.com](http://www.5tooz.com)

دیده‌اید این پل‌های چوبی را؟ انواع و اقسام متفاوتی دارند: بلند و باریک، پهن و کوتاه. اغلب افراد موقع عبور از این پل‌ها - ناخودآگاه - سرعشان را کم می‌کنند و گام‌های اولشان را کوچک و آهسته برمی‌دارند. فرضاً، از بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ تخته، حتی اگر یکی هم کوچک‌ترین صدای جیرجیری بدهد، محال است دفعه‌ی بعد پایشان را روی آن تخته بگذارند و یا اصلاً مخاطره ردشدن از روی پلی را بپذیرند که یک تخته‌اش لق می‌زند و هر آن ممکن است زیر پایشان را خالی کند.

شکستن یک تخته کافی است تا پل از رده خارج شود و رنگ عابران کم و کمتری را به خود ببیند. چه بسا همان عابران به دیگران هم بگویند و دهان به دهان بچرخد که: «حواستان باشد؛ فلان پل تخته‌هاش لق می‌زند!» پلی با همه‌ی اسم و رسم و قدمت و عظمتش «متروک» می‌شود، بی آن که کسی اهمیت بدهد که خیلی از تخته‌هاش هنوز قرص، درست و محکم هستند.

تخته‌ی راست‌گویی آدمی اگر لق بزند، شباهت بسیاری با پل‌های چوبی متروک پیدا می‌کند. آدم‌های دور و برش می‌ترسند به او اعتماد کنند. همیشه به او شک دارند و حرف‌ها و کارهایشان را به او نمی‌سپزند. حتی شاید دلشان نخواهد گذرشان به او بیافتد. پل‌های متروک فراموش می‌شوند، چنان‌که پنداری هیچ وقت نبوده‌اند.

